



عماد گونسز

«فتح‌الله گولن»، واعظ مخالف رئیس جمهوری ترکیه، درباره سیاست‌های آنکارا می‌گوید:

بارجب اردوغان دشمنی ندارم

ترجمه: محمدعلی‌عسگری

قانون اساسی دفاع کنند. برخی از نمایندگان اپوزیسیون در برابر این حوادث به ورطه پراگماتیسم پیدا کرده‌اند. آنها دچار کوتاه‌نظری شده‌اند. بنابراین اجازه می‌دهند این ستم‌ها استمرار پیدا کند زیرا به اعتقادشان این ستم متوجه آنها نیست، بلکه متوجه گروه‌هایی است که آنها را دوست ندارند. آنها حساب نمی‌کنند که این جریان دور می‌زند و روزی این ستم دامن آنها را هم خواهد گرفت.

بااین حال ملت ترکیه قادر است نفرت و انزجار خود را از مستمرگویی‌های اردوغان به شیوه‌هایی دموکراتیک و مسالمت‌آمیز بیان کند. هرچند به نظر می‌رسد در این راه باید قربانیان بیشتری بدهد تا این احساس به یک فریاد بزرگ و دست داشتند (حادثه دسامبر سال ۲۰۱۳)، یک‌دفعه لحن و زبان‌شان تغییر کرد. به عوامل و شرایط خاص ندارد. ما به صورت مستمر دعای می‌کنیم کمالاتی که دیگران را هم به دعا تشویق می‌کنیم. درعین‌حال توسل به اسباب و عوامل هم یک تکلیف دیگر است. ما باید به قوانین و سنت‌هایی که خداوند سبحان در هستی گذاشته، احترام بگذاریم.

■ بعضی از کشورهای عربی روابط دیپلماتیکشان را با قطر قطع کرده‌اند. شما ارتباط قطر با ترکیه را چگونه می‌بینید؟ بنظر شما درباره ایجاد پایگاه نظامی ترکیه در قطر چیست؟

بیخشیم. من نمی‌خواهم درباره مسائلی حرف بزنم که به دولت‌های دیگر آسیب می‌رساند.

■ با وجود افزایشدن سیاست حمایتی اردوغان از داعش و سایر تشکل‌های تروریستی و تحریکاتش علیه مصر یا بناده‌ان به اخوان المسلمین، چه دلیلی دارد که افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی در برابر این سیاست‌ها سکوت می‌کنند؟

باور نمی‌کنم که اردوغان صادقانه با تشکیلات تروریستی داعش می‌جنگد. از یک جهت تظاهر می‌کند که به اتلاف بین‌المللی کمک می‌کند تا بر داعش غلبه پیدا کند، اما از جهت دیگر سلاح و تجهیزات نظامی در اختیار گروه‌های تروریستی تندر در شمال سوریه می‌گذارد. سننیزه‌چویان داعش در بیمارستان‌های ترکیه درمان می‌شوند و بدون اینکه تحقیقی درباره آنها بشود، آزادشان می‌کنند. رسانه‌های داخلی و افکار عمومی ترکیه مطلع هستند که تعدادی از افسران پلیس متخصص در امور مبارزه با تروریسم بازداشت شدند. اما به یاور من این‌الاتر متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تمایلی ندارند تدابیری جدی و لازم دراین‌باره اتخاذ کنند؛ البته به دلایل مختلفی. از جمله جایگاه استراتژیک ترکیه و اینکه میزبان آوارگان سوری است کمالاتی که معتقدم آنها سعی می‌کنند از طریق استفاده از گروه اخوان‌المسلمین در امور مصر دخالت کنند و از این کشور باج بگیرند.



گروهی از ناسیونالیست‌های تندر سکولار حرکتی را شروع کردند و به آن رنگ‌وروی کودتایی دادند اما در واقع کودتا هم نبود؛ این کودتا برای این طراحی شده بود که نیروهای وفادار به من در ارتش را تصفیه کنند و از اهمیت این نهاد نظامی در چشم مردم بکاهند. اردوغان به این وسیله می‌خواست قدرت خودش را بر ارتش تثبیت و شبه‌نظامیان خودش را به این وسیله وارد نهادهای نظامی کند. به نظر من این توصیف و تفسیر منطقی‌تر می‌نماید تا سایر دعاوی مطرح شده درباره این کودتا. اما من به خدا پناه می‌برم که بخواهم کسی را بدون دلیل متهم کنم. ازاین‌رو به اردوغان پیشنهاد دادم اجازه دهم تحقیقی بین‌المللی درباره حوادث آن شب صورت گیرد. حتی من اعلام کردم آماده‌ام اگر در این تحقیق محکوم شدم، با پول شخصی خودم بلیت هوایما بگیرم و به ترکیه بروم. اما با درخواست من از طرف او موافقت نشد.

■ رهبری اردوغان را چگونه می‌بینید؟
حقوق دانان یک بار وضعیت قانونی اردوغان را به دلیل خبرهایی که درباره تقلبی بودن مدارک دانشگاهی او وجود داشت و می‌خواست رئیس‌جمهور شود، بررسی کردند. بعضی‌ها گفتند انتخابات عادلانه برگزار نشده و در نتایج هم تقلب شده است. از همه اینها که بگذریم، من به ارزیابی ملت ترکیه و انتخابش هرچه باشد احترام می‌گذارم؛ حتی اگر چوپانی را در کوه‌ها بیاورد و رهبر خودش کند. اما احساس نمی‌کنم اردوغان ویژگی‌های لازم را برای عهده‌دارشدن مقام ریاست‌جمهوری داشته باشد.

وقتی از فساد در کشور صحبت می‌شود -اگر اردوغان در دسامبر سال ۲۰۱۳ اجازه می‌داد که تحقیقات مربوطه ادامه پیدا کند- می‌توانستیم به حقیقی دست یابیم. اما متأسفانه او پرونده‌ها را بست و نهادهای قضائی را تحت سلطه خودش درآورد و آنها را زیرمجموعه دولت قرار داد. به این طریق دیگر غیرممکن است که بشود از طریق قوه قضائیه به حقیقت دست پیدا کرد. اما درخصوص استبداد تقریبا افکار عمومی جهان بر این اتفاق ندرد که او فردی مستبد است. حتی بعد از انتخابات ۲۰۱۱ و شیوه استبدادی‌تری را در پیش گرفت. او الان در راهی افتاده که سرنوشتی بدتر از رهبران مستبدی خواهد داشت که تاریخ به خود دیده است.

■ ملت ترکیه در برابر موج سرکوب‌های اردوغان چه می‌تواند بکند؟ آیا می‌شود اردوغان را در سطح بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد؟

متأسفانه به نظر می‌رسد هیچ‌کس قادر نیست به او بگوید «بس است». کسانی که سعی کردند این حرف را بزنند الان در زندان هستند. مخالفان وضعیت سؤگمنده‌انای دارند. چون قادر نیستند از راه‌های دموکراتیک اردوغان را مهار کنند یا نگذارند از اختیارات ریاست‌جمهوری سوءاستفاده کند. شهروندان بیگناه که در معرض انواع و اقسام ستم‌ها قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند از حقوقشان طبق

جهان



عماد گونسز

روزنه

موصل؛ شهر بی دفاع

شبکه راشاتودی هفته‌ها پس از آزادی موصل گزارش می‌کرد. تنها وجه امتیاز متن سخنرانی نوشته است؛ شهری که همچنان تعداد زیادی از اجساد مردم ازجمله زنان و کودکان در زیر آوارهایش به‌جا مانده و صحنه‌هایی ناگوار با بویی نامطبوع خلق کرده است که هر بیننده‌ای را متأثر می‌کند.

بر اساس این گزارش، اجساد زیادی از تروریست‌های داعش و همچنین غیرنظامیان همچنان در موصل زیر آوار خانه‌ها در کرمانی وحشتناک ماه آگوست باقی مانده‌اند.

امدادگران به بیرون‌کشیدن اجساد دفن‌شده زیر آوار ادامه می‌دهند؛ درحالی‌که بسیاری از خانه‌ها به دلیل بمباران‌های جنگ، به خاکستر تبدیل شده‌اند.

بخش‌هایی از مناطق مسکونی موصل، اکنون تبدیل به خرابه شده‌اند و صحنه‌های خیابان‌های ویران شده بسیار تأسف‌برانگیز است. یکی دیگر از جنبه‌های وحشتناک تبعات جنگ در موصل که در تصاویر تلویزیونی احساس نمی‌شود، بوی بسیار بد اجساد در این شهر است.

مراد کاژدیف، خبرنگار راشاتودی در موصل، می‌گوید: احتمالا درباره کشته‌شدن هزاران نفر و درد و رنج‌های غیرنظامیان در موصل شنیده‌ای؛ اما چیزی که نمی‌توان شنید، بوی بسیاری اجساد است که واقعا تهوع‌آور و منزجرکننده است و همه‌جا بوی فساد اجساد احساس می‌شود.

با ورود تیم راشاتودی به بخش قدیمی موصل، دوربین‌تصویر خرابی‌های ایجادشده در موصل در به‌عنوان دومین شهر بزرگ عراق، ثبت می‌کند. خودروهای سوخته در کنار خیابان‌ها پراکنده شده‌اند و دیوارهای ازبین‌رفته و پنجره‌های خالی، نشان می‌دهد غیرنظامیان برای آزادیساز موصل چه هزینه سنگینی پرداخت کرده‌اند.

کاژدیف می‌گوید: در زیر آوارها صدها جسد چه متعلق به افراط‌گران و چه متعلق به غیرنظامیان، وجود دارد. همین امروز صبح جسد دو زن و دو کودک بیرون کشیده شد و ظاهرا کار کسانی که دنبال بیرون‌کشیدن اجساد هستند، فعلا تمامی ندارد.

سرویس‌های اورژانس محلی در بخش قدیمی موصل می‌گویند با پیشرفت کار و فهمیدن تعداد بالای اجساد، شوکه شده و تسهیده‌اند. یک افسر عراقی به نام ابراهیم، به راشاتودی گفت: چیزی که من در اینجا دیده‌ام، من را به گریه می‌اندازد، هرکسی را که به اینجا بیاورید به گریه می‌افشد. به دلیل اینکه همه ما انسان هستیم.

امدادگران احتمالا چند ماه زمان لازم خواهند داشت تا همه اجساد را بیرون بکشند و چند ماه نیز برای فراهم‌شدن مقدمات آغاز بازسازی این شهر، زمان لازم است و به توجه به اوضاع در عراق، احتمالا بازسازی شهر سال‌ها زمان می‌برد و به قول برخی، حتی از آزادسازی آن به‌مراتب دشوارتر خواهد بود. سازمان ملل برآورد کرده که برای ترمیم و بازسازی زیرساخت‌های اساسی موصل، بیش از یک میلیارد دلار بودجه لازم است.

من تقریبا ۲۰ سال است که در آمریکا زندگی می‌کنم. دولت آمریکا بدون تبعیض برای همه شهروندانش را برای کسانی که به اینجا می‌آیند امنیت فراهم می‌کند. معتقدم نیروهای امنیتی ترکیه در نقاط مختلف دنیا سعی می‌کنند کسانی را که مرتبط با جنبش خدمت باشند، برانند. مطمئنم مقامات اینجا نسبت به تهدیدهایی که متوجه ماست هوشیاری کامل دارند. آنها امکانات الکترونیکی

لازم را دارند تا هرگونه تهدیدی را خنثی کنند. نیروهای امنیتی با تظاهرات‌کنندگان نیز با حساسیت برخورد کردند. کسانی آنها را از پیش به نزدیکی جایی که ما هستیم، آورده بودند.

■ خیالی وقت است که شما در بنسیولانیا زندگی می‌کنید. آیا هنوز هم نمی‌خواهید به وطن برگردم. آرزوی من این است به جایی بروم که دوست دارم. اما نمی‌خواهم دیدار من موجب دردسر برای دیگران شود؛ مادام که این دولت بر سر کار باشد، هرگز نمی‌خواهم و نمی‌توانم که بروم.

■ آیا پیامی برای ملت‌های ترکیه و کشورهای عرب دارید؟
مشترکات انسانی و دینی بین دو ملت ترکیه و اعراب اقتضا می‌کند تا روابطشان را با هم مستحکم‌تر کنند. باید از این مشترکات برای تأمین منافع ملت‌ها استفاده کرد اما متأسفانه ما در دوران سیاهی زندگی می‌کنیم. جغرافیایی که از آن گذر شدیم، شاهد اختلافات، سنگمرگی‌ها و فتنه‌هایی است که تاکنون در تاریخ سابقه نداشته‌است. از یک طرف گروه‌های تروریستی در نمایش وحشی‌گری‌های خود سلیقه به خرج می‌دهند. آنها تا به حال بسیار به چهره درخشان اسلام در سراسر جهان لطمه زده‌اند. بعضی هم با تک‌نظری به خاطر منافع شخصی و محدود خودشان روی این گروه‌ها سرمایه‌گذاری و به صورت پنهانی از آنها پشتیبانی می‌کنند. برای نجات از همه مسلمانان می‌خواهم به سوی خداوند عزوجل روی بیاورند و برای نجات جهان اسلام از این فتنه‌ها و شرارت‌ها دوری کنند.

منبع:اليوم السابع



دریچه

وارث جنگ شکست‌خورده

«دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا، آخرین استراتژی جدید آمریکا را برای افغانستان معرفی کرد. تنها وجه امتیاز متن سخنرانی ترامپ با سخنرانی رؤسای‌جمهور قبلی آمریکا در مورد افغانستان در این بود که ترامپ بی‌امان از واژه «ایثار» سربازان آمریکایی در افغانستان نام برد تا با این حربه بسط‌دادن درگیری نظامی آمریکا در افغانستان را موجه جلوه دهد.

بقیه فرازهای صحبت ترامپ، تکرار همان استانداردهای رایج واشنگتن برای تمام لشکرکشی‌های نظامی آمریکااست. سخنرانی ترامپ سراسر همان توهم همیشگی «جنگ با تروریسم» بود که همواره سیاست‌مداران جمهوری خواه و دموکرات بر طبل آن می‌کوبند و از آن دم می‌زنند.در عرض تقریبا ۱۶ سال گذشته، متنی که سیاست‌مداران هردو حزب حاکم همواره برای توجیه لشکرکشی‌هایشان قرائت کرده‌اند همواره بر یک روال ثابت و مشابه استوار بوده است. این روال مبتنی است بر ارائه نظریاتی مانند دروغ، چالش‌برانگیز؛ عدم رعایت حدود و نقور اخلاقی، لشکرکشی بدون اعلان قبلی، پندنگرفتن لجوجانه از اشتباهات گذشته و پرهیز از تغییر رویه. اما در این توضیحات اصلا مشخص نمی‌شود که بالاخره آمریکا واقعا با چه کسی می‌جنگد. همه رؤسای‌جمهور آمریکا یکی پس از دیگری تمام سننیزه‌چویان را از هر قسمی که باشند در یک طبقه قرار می‌دهند و همه آنها را «تروریست» و «افراط‌گرایان خشونت‌طلب» یا به‌طورکُل «دشمن» خطاب می‌کنند. ترامپ نیز در صحبت‌هایش فقط بیش از پیش گیج‌مان کرد و هشدار داد که «۲۰ باب از سازمان‌هایی که آمریکا آنها را جزء تروریست‌ها طبقه‌بندی کرده است، همگی در دو کشور افغانستان و پاکستان فعالیت دارند». ترامپ اشاره نکرد که کدامیک از این سازمان‌هایی که او فقط اشاره‌ای کلی به همه‌شان داشت، واقعا تهدیدی برای آمریکا هستند. وی مشخصی نکرد که پسران و دختران آمریکایی که برای جنگیدن به‌صَف می‌شوند و بلکه بارهاوبارها به‌صَف خواهند شد، با کدامیک از این گروه‌ها باید بجنگند.

ترامپ ضمنا نگفت که آیا «پیروزی» فقط مستلزم آن است که همه این گروه‌ها به‌کلی در هم بشکنند یا اینکه پیروزی حتی با شکست حداقل چندتای آنها یا حتی فقط یکی از آنها هم محرز خواهد شد. ترامپ همه گروه‌های تروریستی را یک دشمن یکپارچه قلمداد کرد و همان باور غلط تمام مقام‌های سلف خود را تکرار کرد و گفت که تروریست‌ها یک «مامن امن» لازم دارند تا از آنجا حملاتشان را طراحی و اجرا کنند و از آمار سربازان آمریکایی در میادین رزم بکاهند و این واقعیتی می‌طلبد که ما دوباره به آنها ضربه بزینم. این همان فحواى کلام «جیمز متیسن»، وزیر دفاع آمریکا در سخنانش در ماه ژوئن بود. ریشه این پندار غلط و غیرقابل توجیه سوت‌نپیبری است که از واقعه حملات ۱۱ سپتامبر استنباط شده است. در این حادثه هوایمباریان ۳۳ بار از پست‌های مرزی بدون بازرسی عبور کردند و همه آنها پناهمگاهی امن در «مریلند» جنوبی و «سان‌دیه‌گو» و «اولاکلاهاسیتی» داشتند.

«جورج بوش» بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در صحبت‌هایی ادعا کرده بود: «جنگ با ترور فقط وقتی به انتها می‌رسد که هر گروه تروریستی که دسترسشی جهانی دارد، شنشایی شود؛ جلوشای گرفته شود و شکست داده شود». ترامپ هم در نطق تحلیف خود گفت که «تروریسم رادیکال اسلامی» را کاملا از روی چهره زمین ریشه‌کن خواهد کرد. همین وعده‌ووعده‌های دورودراز ناممکن در مورد پیروزی مطلق است که باعث می‌شود هر رئیس‌جمهوری هر شانسی را که برای پیروزی جلو رویش سبز می‌شود می‌درنگ بنقايد و پیشاپیش خبر از پیروزی بدهد؛ به‌عنوان‌نمونه دولت بوش بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ هفت‌بار اعلام کرد که «طالبان» را به‌طور کامل شکست داده است، اما درواقع مقامات نظامی و ضدتروریسم، فروتنانه و البته باعلاقانه نسبت به سقف ظرفیت قدرت نظامی تردید داشته‌اند. واقعیت این است که به‌طورکُل هیچ‌یک از رؤسای‌جمهور آمریکا در مورد لشکرکشی‌های نظامی‌شان آن‌طور که بایدوשיاید شفاف عمل نکرده‌اند. این‌طور که از شواهد امر بیادست، از همه آنها بدتر دولت ترامپ است.

در دولت «ساراک اوپاما» حول‌وحوش روزهای پایانی دوره کاری‌اش، وزارت دفاع آمریکا، «بنتانگون»، انتشار گزارش مشروح و مکتوب تعداد تلفات غیرنظامیان در جنگ‌های آمریکا را متوقف کرد، چون مستلک است اگر این گزارش منتشر می‌شد، مسئولیتی را متوجه سیاستمدار نظامی و سیاسی آمریکا می‌کرد و موجب شد تا به‌منظور کاستن از آمار تلفات غیرنظامیان در آینده، سیاست‌های جنگی آمریکا دست‌خوش تغییر و تحول شود. اما آقای ترامپ نەتتها جلوی این روند را نگرفت، بلکه آن را تشدید هم کرده است. بدیهی است که در این میان بر شمار غیرنظامیانی که در این بمباران‌ها از بین می‌روند افزوده شده و به رقم بالایی رسیده است. این غیرقابل‌قبول است. در ماه جولای امسال‌زمان ملل فاش کرد، که در افغانستان شمار تلفات غیرنظامیان در حملات هوایی آمریکا در شش‌ماهه نخست سال ۲۰۱۷ به میزان ۷۰ درصد بیشتر از همین تلفات در شش‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶ بوده است.

در دو‌کشور عراق و سوریه حملات هوایی آمریکا در این دو کشور از اگوست ۲۰۱۴ آغاز شده است و تعداد تلفات غیرنظامیان این حملات هوایی از هنگامی که ترامپ روی کار آمده، دستکم ۵۵ درصد رشد داشته است. هرچقدر آمار تلفات غیرنظامیان بالا می‌رود، حس خشم و نفرت از آمریکا هم بالا می‌رود. هرچقدر آمار تلفات غیرنظامیان بالا می‌رود، افراد بیشتری جذب تروریست‌ها می‌شوند، ضمن آنکه همه تروریست‌های بالقوه‌ای که در آمریکا لانه کرده‌اند هم فرصت خوبی برای رادیکالیزه‌شدن پیدا خواهند کرد. سیاست‌مداران هردو حزب درعوض آنکه بیابند و راه‌های فرعی انتشار افکار و ایدئولوژی‌های جهادی و جلو جذب افراد به سمت گروه‌های تروریستی را ببندند، آمده‌اند و سعی می‌کنند همان سیاست‌های نظامی را دوباره‌ودوباره به کار بندند.

«مایکل مورل»، جانشین مدیرکل سابق «سیا»، یک اظهارنظر مشهوری دارد که می‌گوید: ما بیوهده صد ساعت وقت خود را در «اتاق تعیین موقعیت»، هدر دادیم و نستسیمت را جع به اینکه با تروریست‌هایی چه باید بکنیم، بحث و تبادل‌نظر کردیم. بهتر بود در جای این‌ها تمرکز می‌بوده، فقط ۱۰ دقیقه وقت می‌گذاشتیم و تفکر می‌کردیم تا ببینیم چطور می‌توانیم قلوب و اذهان مردم را تسخیر کنیم و جلو رادیکالیزه‌شدن جوانان را بگیریم. بعضی‌ها ممکن است خوش‌بین باشندند که در مقالهٔ جنگ با تروریسم، ترامپ رئیس‌جمهوری متفاوت است، اما سخنرانی روز دوشنبه ترامپ، توهم‌بودن این امید را ثابت کرد؛ او فقط همان کاری را خواهد کرد که واشنگتن از او انتظار دارد.

منبع: نیویورک‌تایمز

